

رامین برتو

پنج سال پس از بازگشت طالبان به کابل، افغانستان در نقطه‌ای ایستاده‌است که در آن «ثبات» و «مشروعیت» دو مفهوم متفاوت هستند.طالبان توانسته کنترل سرزمینی و ساختار قدرت را حفظ کنند و جنگ گسترده‌ای را که دو دهه ادامه داشت پایان دهند، اما این دستور امنیتی به معنای حل بحران سیاسی، اجتماعی و حقوق بشری افغانستان نیست. حکومت طالبان امروز از سوی روسیه به‌طور رسمی به‌سمیت شناخته‌شده،اما بیشتر کشورها، از جمله کشورهای اروپایی، ترجیح داده‌اند میان شناسایی حقوقی و تعامل عملی فاصله بگذارند.

این فاصله،مهم‌ترین ویژگی وضعیت کنونی افغانستان است. دیپلمات‌ها به کابل می‌روند، هیأت‌های طالبان به پایتخت‌های خارجی سفر می‌کنند، در باره مهاجرت، تجارت، امنیت، انرژی و معادن مذاکره می‌شود و حتی قراردادهای اقتصادی با کشورهای مختلف شکل گرفته است؛ اما در همان حال، زنان از تحصیل واشغال گسترده محرومند.مشارکت سیاسی فراگیر وجود ندارد و مخالفان و منتقدان با محدودیت روبه‌رو هستند. بنابراین، جامعه جهانی بیش از آنکه طالبان را پذیرفته باشد، در حال مدیریت واقعیتی است که نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد.

این وضعیت در مراسم پنجمین سالگرد بازگشت طالبان نیز آشکار بود. کابل شاهد گردهمایی بود و امارت اسلامی، این روز را نماد پایان اشغال و آغاز حاکمیت مستقل معرفی کرد. در روایت طالبان، جنگ پایان یافته و افغانستان وار دفصل تازه‌ای از صلح و روابط محترمانه با جهان شده است. اما روایت جامعه جهانی متفاوت است:

پایان جنگ، زمانی ارزش پیدایی کند که با امنیت انسانی، حقوق شهروندی، مشارکت سیاسی و فرصت برابر برای همه گروه‌های جامعه همراه شود. همین تفاوت روایت، بخش بحران افغانستان است.

**ثبات امنیتی در برابر بحران اجتماعی وسیاسی** طالبان می‌گویند بزرگ‌ترین دستاورد پنج سال گذشته، برقراری امنیت است. آنها پایان جنگ سراسری، کاهش فساد اداری و کنترل بیشتر بر سراسر کشور را نشانه موفقیت خود می‌دانند و از جهان می‌خواهند این واقعیت را بپذیرد. با این حال، امنیت به تنهایی نمی‌تواند جایگزین مشروعیت سیاسی و رضایت عمومی شود. هنگامی که یک حکومت با حذف بخش بزرگی از جامعه از عرصه عمومی، سیاسی و آموزشی اداره می‌شود، ثبات آن الزاماً به معنای ثبات پایدار نیست.

مهم‌ترین نشانه این شکاف، وضعیت زنان و دختران است. طی پنج سال گذشته، محدودیت‌ها بر تحصیل، اشتغال، رفت‌وآمد، دسترسی به خدمات و حضور

مروری بر ۵ سال امارت اسلامی، از زنان و اقوام تا مشروعیت سیاسی؛

# طالبان، همچنان در میانهٔ افراط و تکاپوی پذیرش



فراگیر تر نیز تاکنون به نتیجه‌مورد انتظار نرسیده است.

حذف یا تضعیف سازو کارهای مشارکت سیاسی، در بلندمدت می‌تواند شکاف میان حاکمیت و بخش‌هایی از زنان را نیز تهدید می‌کند. نتیجه، شکل‌گیری جامعه‌ای

هم‌زمان، فشارهای اقتصادی نیز این بحران را تشدید کرده‌است. افغانستان به کمک‌های خارجی وابسته‌مانده، سرمایه‌گذاران در باره آینده سیاسی و حقوقی کشور احتیاط می‌کنند و بازگشت میلیون‌ها مهاجر از ایران و پاکستان فشار بیشتری بر بازار کار و خدمات عمومی وارد کرده‌است. بنابراین، طالبان توانسته‌اند حکومت‌کنند، اما هنوز نتوانسته‌اند میان امنیت، توسعه، مشارکت سیاسی و حقوق شهروندی تعادل برقرار کنند.

#### تعامل بدون مشروعیت

پنج سال پس از بازگشت طالبان، وضعیت مشروعیت خارجی آنان ا می‌توان در یک عبارت خلاصه کرد: «تعامل فرآینده، شناسایی محدود». روسیه تاکنون تنها کشوری است که حکومت طالبان را به‌صورت رسمی به رسمیت شناخته‌است، اما چین، هند، کشورهای آسیای مرکزی، ایران، کشورهای عربی و برخی کشورهای اروپایی روابط کاری و دیپلماتیک خود را با کابل حفظ کرده‌اند. این روند نشان می‌دهد که انزوای کامل طالبان دیگر واقع‌بینانه نیست.

دلایل این تغییر رویکرد روشن است: افغانستان در

طالبان در باره زنان، تشکیل حکومت فراگیر، مبارزه مؤثر با تروریسم، رو عایت تعهدات بین‌المللی است. طالبان نیز در مقابل، خواهان لغو تحریم‌ها، آزادسازی دارایی‌های افغانستان و برخورداری از کرسی در سازمان ملل هستند؛ اما حاضر نیستند اصولی را که جامعه جهانی در باره حقوق زنان و مشارکت سیاسی مطرح می‌کند، به‌طور اساسی بپذیرند.

در مورد آمریکا، بازگشت کامل به کابل در کوتاه‌مدت بعید به نظر می‌رسد. واشنگتن از عملکرد طالبان در حوزه ضد تروریسم، وضعیت حقوق بشر و برخی مسائل امنیتی انتقاد دارد و نشانه‌ای از شناسایی رسمی حکومت آنان دیده نمی‌شود. پیشنهاد طالبان برای بازگشایی سفارت آمریکا و سرمایه‌گذاری در معادن، سدها و جاده‌ها نیز هنوز نتوانسته واشنگتن را به تغییر مسیر وادار کند. اروپا نیز احتمالاً به‌همین الگوی دوگانه ادامه خواهد داد: گفت‌وگوبرای حل مسائل عملی، بدون اعطای مشروعیت سیاسی کامل.

#### سازمان ملل و محدودیت‌های فشار بین‌المللی

سؤال نهایی این است که آیا سازمان ملل می‌تواند طالبان را در سال‌های آینده با اصلاح رفتار وادار کند؟ پاسخ، نه کاملاً مثبت است و نه کاملاً منفی. سازمان ملل ابزارهایی برای فشار دارد، اما نفوذ آن به میزان همکاری کشورهای عضو، شرایط اقتصادی افغانستان و آمادگی طالبان برای امتیازدهی بستگی دارد. تجربه پنج سال گذشته نشان داده که فشار خارجی به تنهایی برای تغییر بنیادین سیاست‌های طالبان کافی نبوده‌است.

سازمان ملل از یک سو می‌تواند با حفظ پرونده افغانستان در دستور کار جهانی، کمک‌های بشردوستانه را سازمان‌دهی کند، در باره حقوق زنان گزارش دهد و از طالبان بخواهد در موضوعاتی مانند آموزش دختران، حکومت فراگیر و مبارزه با تروریسم تغییر ایجاد کنند. از سوی دیگر، اگر کمک‌ها کاهش یابد، نخستین قربانی مردم افغانستان خواهند بود، نه لزوماً ساختار قدرت طالبان. به همین دلیل، جامعه جهانی میان فشار سیاسی و ضرورت جلوگیری از یک بحران انسانی گرفتار است و راه مؤثر تر احتمالاً ترکیبی از تعامل مشروط و فشار هدفمند خواهد بود.

در نهایت، طالبان در پنجمین سال حکومت خود نه شکست خورده‌اند و نه به مشروعیت کامل رسیده‌اند. آنها قدرت را حفظ کرده‌اند و جهان نیز ناگزیر به تعامل با آنان شده‌است، اما این تعامل هنوز جای مشروعیت را نگرفته است. آینده افغانستان به این بستگی دارد که آیا طالبان حاضرند مفهوم حکومت را از «کنترل» به «حکمرانی» تغییر دهند یا خیر. اگر آنان همچنان مشارکت سیاسی، حقوق زنان و تنوع اجتماعی را مانع قدرت خود بدانند، ممکن است امنیت کوتاه‌مدت را حفظ کنند، اما شکاف مشروعیت همچنان باقی خواهد ماند. جامعه جهانی نیز اگر بخواهد تغییر ایجاد کند، باید میان فشار و گفت‌وگو تعادل برقرار کند؛ زیرا حذف افغانستان از تعامل ممکن نیست، اما پذیرش بی‌ش قیدو شرط سیاست‌های طالبان نیز نمی‌تواند راه‌حل پایدار باشد.

#### خبر

## زلزله ۷.۷ ریشتری در اندونزی با ده‌ها کشته وزخمی



فرانس ۲۴ گزارش داد که زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۷.۷ ریشتری در نزدیکی منطقه فلورس اندونزی دست ۲۸ کشته و ۶ زخمی برجا گذاشت و عملیات امداد برای یافتن بازماندگان در میان ساختمان‌های فروریخته همچنان ادامه دارد.
فانور روسیه همچنین اعلام کرد زمین‌لرزه، نیز بیشتر در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه مرگ ۲۰ نفر در چهار شهر این جزیره که مورد توجه گردشگران است را تأیید کرده بود.
رحمان گفت که ۶ نفر نیز زخمی شدند و ۲ نفر همچنان زیر آوار گرفتار هستند.
کنال خبری آسیا (CNA) نیز گزارش

## آماده‌باش ضد مهاجرتی اسپانیا و مراکش در مرز سوتا



اسپانیا و مراکش پس از انتشار فراخوان‌های در شبکه‌های اجتماعی برای تکرار ورود گسترده مهاجران به منطقه سئوتا، تدابیر امنیتی در مرز این منطقه خودمختار اسپانیا در شمال آفریقا را به‌طور قابل توجهی تقویت کرده‌اند. با وجود این فراخوان‌ها، خبرنگار این خبرگزاری صبح شنبه، وضعیت گذرگاه مرزی سئوتا را آرام توصیف کرد، در رسانه‌های اسپانیایی

#### خبر

#### جهان نما

ال اخبار تحلیل کرد:

### تحول در ماهیت رابطه نظامی میان دمشق و واشنگتن

نشست نظامی اواخر هفته گذشته که میزبان آن پایتخت اردن، امان بود و با حضور فرماندهان نظامی از اردن، سوریه، عراق و اقلیم کر دستان عراق و «برد کوپر» فرمانده سنتکام بر گزار شد، بار دیگر توجه‌ها را به تحولات سطح هماهنگی نظامی میان سوریه و کشورهای همسایه جلب کرد. روزنامه الاخبار لبنان در تحلیلی نوشت بر اساس بیانیه‌های رسمی، گفت‌وگوها در این نشست بر امنیت مرزها و مقابله با تهدیدات فرامرزی، همچنین تبادل اطلاعات و تجربیات و تقویت هماهنگی نظامی متمرکز بود. هرچند در بیانیه‌های صادر شده از این نشست به بررسی پرونده «قسد» با وجود هم‌زمانی آن با تحولات شتایان این پرونده و همچنین به تر تیبات نظامی جدید در شمال شرق سوریه اشاره‌ای نشده است، اما زمان بندی و ترکیب شرکت کنندگان، این نشست را در بستر دو مسیر موازی قرار می‌دهد که منطقه ماه‌هاست شاهد آن است: نخست، ترتیبات جاری برای ادغام «قسد» در نهاد‌های حکومت انتقالی بر اساس دو توافق ۲۹ ژانویه که آمریکا و اقلیم کر دستان نقش بزرگی در آن داشته‌اند؛ و دوم، مسیر گسترش هماهنگی امنیتی و نظامی میان سوریه و دو، کشورهای همسایه در چارچوب ترتیباتی است که واشنگتن در صدر آن قرار دارد.

این نشست در شرایطی بر گزار می‌شود که پرونده ادغام «قسد» همچنان با پیچیدگی‌های زیادی روبه‌روست؛ از جمله بحران زنان نظامی و نحوه ادغام آن‌ها و نیز سطح مدیریت امنیتی و نظامی‌ای که قرار است کردها در مناطق تاریخی خود (شمال شرق سوریه) داشته باشند. از سوی دیگر، این نشست راه را بر همکاری بیشتر در پرونده نظامی می‌گشاید؛ پرونده‌ای که در آن اربیل جایگاه برجسته‌ای یافته و با موقعیت رسمی عراق برابر شده‌است.



در کنار پرونده «قسد»، این نشست در سایه تداوم نگرانی‌های پیرامون مرزهای عراق بر گزار می‌شود؛ نگرانی‌هایی که در مورد واکنش احتمالی نیروهای «حشد شعبی» به هرگونه مداخله احتمالی سوریه در لبنان با تحریک آمریکا، با فشارهای آمریکا برای تشدید کنترل مرزها و جلوگیری از قاچاق وجود دارد. همین مسئله روند صعودی هماهنگی نظامی سوریه و عراق در ماه‌های اخیر را توضیح می‌دهد. به‌موازات این مسیر، ماه‌های گذشته شاهد افزایش سطح مشارکت نهاد نظامی سوریه در نشست‌ها و تفاهم‌های امنیتی به رهبری آمریکا بود. اول ماه ژوئیه، سوریه در گفت‌وگوی امنیتی منطقه‌ای که بحرین میزبان آن بود و «سنتکام» آن را رهبری می‌کرد، به‌همراه مقام‌های نظامی از ۱۱ کشور دیگر از جمله اردن، شماری از کشورهای حوزه خلیج فارس، مصر، لبنان و یمن شرکت کرد. «سنتکام» آن نشست را نخستین کنفرانس دفاعی منطقه‌ای توصیف کرد که واشنگتن با حضور نظامیان سوری و لبنانی رهبری می‌کرد. مذاکرات این نشست به محیط امنیتی منطقه‌ای، همکاری دفاعی و امنیت ناوبری در تنگه هرمز، علاوه بر مباحث مرتبط با دفاع هوایی و موشکی و تبادل اطلاعات اختصاص داشت. حدود ۶ هفته بعد، کوپر در نشست امان در کنار فرماندهان نظامی سوریه، اردن، عراق و کر دستان حضور یافت و سپس به تحرکات خود مرتبط با عراق و ترتیبات مأموریت «اتلاف بین‌المللی» ادامه داد.

هرچند سطح اطلاعات رسمی نشست‌های بحرین و

امان را به هم مرتبط نمی‌کند، اما مشارکت سوریه در هر دو، نشان‌دهنده تحول در ماهیت رابطه نظامی میان دمشق و واشنگتن و تلاش برای مشارکت در نشست‌های امنیتی منطقه‌ای گسترده‌تر است. شایان ذکر است که آمریکا پیش از جنگ خود علیه ایران، گستره حضور نظامی خود را -چه در عراق و چه در سوریه- کاهش داده؛ گونه‌ای که از تمام پایگاه‌های نظامی خود در سوریه خارج شد و آن‌ها را به حکومت انتقالی تحویل داد و مدیریت پرونده سوریه را از طریق «توماس باراک» فرستاده ویژه خود در سوریه ادامه داد؛ فردی که هماهنگ با فرمانده «سنتکام» فعالیت می‌کند.

در خصوص نشست امان، این نکته قابل توجه است که رسانه‌های رسمی عراق، اردن و حتی سوریه، با احتساب وجود نماینده‌ای از اقلیم کر دستان عراق، از این نشست به‌عنوان نشست «چهار جانبه» یاد کردند و در آن هیچ اشاره‌ای به حضور کوپر نداشتند که برای نظارت بر مراسم انتقال فرماندهی «نیروی کار مأموریت مشترک» -عملیات «عزم‌راسخ» (CJTF-OIR)- به امان آمده بود؛ نیرویی

که مقرر آن در اردن است و مأموریت پشتیبانی از نیروهای شرکت در مقابله با «اعش» در عراق و سوریه را بر عهده دارد. در این مراسم، سرلشکر «کوین لمبرت» فرماندهی نیروی کار مأموریت مشترک را به دریا سالار «لیام هولین» تحویل داد؛ کوپر نیز در این مراسم به نقش عملیات «عزم‌راسخ» در «مبارزه با تروریسم»، تقویت مشارکت‌ها و امنیت منطقه‌ای اشاره کرد و از انتقال بیش از ۵۷۰۰ زندانی از عناصر «اعش» از سوریه به عراق در دوره فرماندهی لمبرت تمجید کرد.

این رسانه‌ها تنها در خبر دیدار حاشیه‌ای میان فرمانده «سنتکام» و «یوسف الحنیطی»، رئیس ستاد مشترک ارتش اردن به کوپر اشاره کردند. که بر اساس اعلام وبگاه رسمی فرماندهی نیروهای مسلح اردن، «این دیدار در چارچوب اهتمام نیروهای مسلح اردن به تقویت روابط با ارتش‌های منطقه و توسعه کانال‌های هماهنگی و ارتباط با آن‌ها، به گونه‌ای که به مقابله با چالش‌های مشترک، حفظ امنیت مرزها و تقویت پایه‌های امنیت و ثبات در منطقه کمک کند» صورت گرفته است.

#### خبرگزاری کار ایران «ایلنا»

#### با ایلنا همراه شوید

#### خبرگزاری کار ایران «ایلنا»